

اختلافات قرائات هفتگانه

سید محمد موسوی مقدم*

چکیده:

قرآن پژوهان و علمای شیعه و اهل سنت درباره معنای «روایت سبعة أحرف» و یا همان «حروف هفتگانه»، بسیار اندیشیده اند و برخی آن را با قرائات قرآن، مرتبط دانسته اند؛ عالمان اهل سنت در تحلیل حروف هفتگانه و نزول قرآن بر آن ها، به روایاتی استناد جسته و اقوال متفاوتی را در خصوص آن بیان کرده اند که حاصل نظر غالب آن ها، پذیرش روایات سبعة أحرف و قبول تعدد قرائات قرآن می باشد، ولی عالمان شیعه، اعم از محدثان، مفسران و فقیهان، بر نادرستی معنای حدیث سبعة أحرف در خصوص نزول الفاظ قرآن، تاکید داشته و در صورت اطمینان به صدور، آن را مرتبط با معانی قرآن دانسته اند و از طرف دیگر بر قرائت واحد نص قرآن، معتقدند که همان نص نازل شده الهی است که هم اکنون در جهان اسلام، رایج و مبنای تفسیر و معارف قرآن بوده و می باشد. **کلیدواژه‌ها:** اختلاف قرائات، حروف هفتگانه، سبعة أحرف، علمای شیعه.

قرائات

قرائت که جمع آن قرائات است، در اصطلاح عبارت از طرق و روایات قرآنی است که اسنادش به ثبوت رسیده است؛^۱

آیت الله معرفت هم می فرماید: مقصود از قرائات قرآن، صورت های کلام خداوند متعال از نظر خواندن است،^۲ با توجه به معنای مذکور، هر روشی در خواندن و تلاوت قرآن که مستند به نقل و روایتی از پیامبر ﷺ نباشد، «قرائت» مصطلح نخواهد بود؛ گرچه مشهور باشد یا حتی بر مبنای صحیحی از عربیت باشد و یا لفظ قرآن امکان انطباق با آن را دارا باشد؛ لذا قرائت مستند به نقل صحیح از پیامبر ﷺ همیشه اصل بوده و کتابت بر اساس آن صورت می گرفته است.

تواتر قرآن: قرآن کتابی است که نزد همه مسلمانان به تواتر از پیامبر ﷺ روایت شده است و ناقلان بسیاری تمام آیات آن را از پیامبر ﷺ برای نسل های بعد و تا به امروز نقل و روایت نموده اند.

آیت الله خوئی بیان می دارد که همه مسلمین اتفاق نظر دارند که طریق ثبوت قرآن منحصر به تواتر است و حکم نموده اند که قرآن کلام الهی است که از راه خبر متواتر ثابت شده است.^۳

قرزای سبعة: از همان آغاز نزول قرآن، جمعی از صحابه متصدی تلاوت و قرائت و جمع آوری آن گردیدند که بعدها به «قرزاء» قرآن شهرت یافتند. مهم ترین قزء در زمان پیامبر ﷺ هفت نفر بوده اند که ذهبی آنان را به ترتیب وفات چنین می داند: ابی بن کعب - م ۲۰ ق -؛ عبدالله بن مسعود - م ۳۲ ق -؛ ابوالدرداء عویمربن زید - م ۳۲ ق -؛ عثمان بن عفان - م ۳۵ ق -؛ علی بن ابی طالب - م ۴۰ ق -؛ ابوموسی اشعری - م ۴۴ ق -؛ وزید بن ثابت - م ۴۵ ق -؛^۴ مردم هر بلادی قرائت خود را در آغاز از قزای یاد شده می گرفتند و با توسعه جهان اسلام، قزای دیگری شهرت یافتند که در قرن چهارم توسط ابن مجاهد تمیمی - م ۳۲۴ ق - به نام «قزای سبعة» معروف شدند که افرادیل هستند: عبدالله بن عامر - م ۱۱۸ ق -؛ عبدالله بن کثیر - م ۱۲۰ ق -؛ عاصم بن ابی النجود - م ۱۲۹ ق -؛ ابوعمر و بصری - م ۱۵۴ ق -؛ حمزه بن حبیب زیات - م ۱۵۶ ق -؛ نافع بن عبدالرحمن - م ۱۶۹ ق -؛ علی بن حمزه کسائی - م ۱۸۷ ق -.^۵

پیدایش قرائات: همان قزای معروف از صحابه که از نخستین روزهای نزول قرآن،

متصدی تلاوت آیات شده و بعدها در شهرهای مدینه، مکه، کوفه و ... شهرت یافته بودند، در برخی از آیات قرائتی متمایز با دیگر قرائات را برگزیدند، در حالی که غالباً قرائت خود را مستند به قرائت پیامبر ﷺ می نمودند و آن را برخاسته از چگونگی نزول قرآن می دانستند. در زمان عثمان به علت گسترش قرائات، تصمیم بر آن شد که از اختلاف قرائات جلوگیری شود و مصحفی واحد مبتنی بر قرائتی یکسان، منتشر گردد.^۶

عسقلانی در این خصوص می گوید: عثمان اهل شام و عراق را امر کرد تا بر مصحفی که تهیه شده بود، اجتماع نمایند؛^۷ گرچه در زمان عثمان، تلاش برای یکسانی قرائت انجام گرفت، ولی اختلاف قرائات پایان نیافت و در قرن دوم، قرائات قزای سبعة، رونق گرفت و بدین جهت، ابن مجاهد در قرن چهارم آن ها را به عنوان بهترین قرائات برگزید.

بررسی علل اختلاف قرائات: مهم ترین علت گسترش اختلاف قرائات را باید در چگونگی نگارش مصاحف بلاد از قرن نخست به بعد، دانست؛ زیرا مردم هر بلادی، خود را ملتزم به قرائت مصحف خود می دانستند، و این در حالی بود که مصاحف بر یک اسلوب، تنظیم نشده بودند و هر کدام با دیگری در برخی از کلمات، حروف و اعراب و ... متفاوت بودند. لذا اختلاف آن ها را می توان سرآغازی برای قرائت های متعدد بعدی برشمرد؛^۸ آیت الله معرفت هم در این باره معتقد است که اختلاف مصاحف، جزء مهم ترین علل ایجاد اختلاف در قرائات پس از نزول قرآن بود و خود باب جدیدی را در حیات مسلمین برای تعدد قرائات گشود و این چنین اختلافی که از آن گریزان بودند، دامنگیرشان شد.^۹

شایان ذکر است که موارد اختلاف قرائات در برخی آیات، برخاسته از علل دیگری، همچون ابتدایی بودن خط، اعجام حروف، تأثیر لهجه ها، اجتهاد قراء و ... بوده است؛^{۱۰} برای آگاهی از موارد اختلاف قرائات به کتاب «مجمع البیان» بحث قرائة و «معجم القرائات القرآنیة» مراجعه شود.

بررسی تواتر قرائات: تواتر قرائات امری مسلم و قطعی نبوده و نیست؛ زیرا معروف میان علمای شیعه، عدم تواتر قرائات است، به علت آن که آن ها منقول به خبر واحدند؛ اما نزد گروهی از علمای اهل سنت، قرائات سبعة به تواتر نقل شده است و کسانی نظیر زرکشی - م ۷۹۴ ق - به نقل از جمهور علمای اهل سنت آن را متواتر می دانند.^{۱۱} و این گونه استدلال می نمودند که اهتمام صحابه و تابعین بر قرآن، مقتضی تواتر قرائات است

و اگر قرائات سبعة، متواتر نباشند، تواتر قرآن نیز مخدوش می شود؛ اینان بر تواتر قرائات سبعة، ادعای اجماع نیز نموده اند. ولی در نقد کلام آنان باید گفت ادعای اجماع، مسلم نیست؛ زیرا تعدادی از علمای اهل سنت مانند فخر رازی -، ابن جزری، أبوشامة و زرکشی و بسیاری از علمای شیعه همچون شیخ طوسی، سید نعمت الله جزایری، محمد جواد بلاغی و آیت الله خویی و ... قائل به عدم تواتر قرائات سبعة هستند؛^{۱۲} از طرفی اهتمام صحابه و تابعین بر قرآن، تواتر اصل قرآن را ثابت می نماید، نه تواتر تمامی قرائات آن را.

بدین جهت، نزد غالب علمای امامیه، قرائات سبعة از تواتر برخوردار نیستند، زیرا: برخی از قرائات از طریق خبر واحد منتقل شده اند و تعارض قرائات با یکدیگر و احتجاج هر قاری بر قرائت خود و اعراض از قرائت دیگری، دلیلی بر عدم تواتر آن ها تا پیامبر ﷺ بوده و معلوم می گردد که آن ها محصول اجتهاد قراء است.^{۱۳}

معتبرترین قرائت

گرچه تعدادی از علما، معتقد به جواز قرائات سبعة در خصوص قرآن بوده و آن را در نماز، جایز شمرده اند، اما قرائت مورد اتفاق مسلمانان که از اعتبار کامل برخوردار بوده است، قرائت حفص از عاصم است، زیرا اسنادی که ذهبی در قرائت عاصم به روایت حفص از حضرت علی رضی الله عنه می آورد عالی السند است؛^{۱۴} از طرفی عاصم از عبد الرحمن سلمی در قرائت، تخطی نکرده است و او نیز از حضرت علی رضی الله عنه تخطی ننموده است و حفص و عاصم و عبد الرحمن سلمی کاملاً مورد اعتماد و اطمینانند.^{۱۵}

لذا قرائت حفص، قرائت رایج، مشهور و مورد اتفاق همه مسلمانان است و همان قرائتی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده و در بین عموم مسلمین به «قراءة العامة» یا «عامه القرآن» و یا «سیاه القرآن» شهرت داشته و دارد و مصحف نگاران به هنگام نگارش کلمات قرآن، بر طبق آن - قرائت عامه - عمل نموده اند.^{۱۶}

حروف «سبعة أحرف» و بررسی آن

نزد علمای اهل سنت روایاتی با تعبیر «سبعة أحرف» یا همان «حروف هفتگانه» از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است که گرچه در ساختار الفاظ با یکدیگر متفاوتند، اما از نظر

محتوا یکسان و متفق اند که نزول قرآن بر هفت حرف می باشد؛ که برخی از آن ها چنین است: عن النبی ﷺ: «انّ القرآن أنزل علی سبعة أحرف فأقرؤا ما تيسر منه»: قرآن بر هفت حرف نازل شده به هریک از آن ها که برایتان میسر است قرائت نمایید.^{۱۷} در معنای «سبعة أحرف» نزد اهل سنت، اختلاف فراوان است؛^{۱۸} و برخی آن را حمل بر «قرائت سبعة» دانسته اند.^{۱۹}

مصادر حدیث «سبعة أحرف» در نزد اهل سنت

با جستجویی که در جوامع حدیثی پیشین اهل سنت انجام گرفت، مشاهده شد که روایت سبعة أحرف در «جوامع ستة» به جز «سنن ابن ماجه» و «سنن دارمی» آمده است.^{۲۰} نخستین و معتبرترین کتابی که همه احادیث نامبرده را در کنار هم جمع آوری نموده، تفسیر «جامع البیان عن تاویل آی القرآن» طبری است. وی در مقدمه تفسیر خود تحت عنوان «القول فی اللغة التي نزل بها القرآن من لغات العرب» به بیان حدیث سبعة أحرف می پردازد که به ۳۸ مورد می رسد.

روایات «سبعة أحرف» در مصادر روایی اهل سنت به دو گروه قابل تقسیم است: «روایات دال بر نزول قرآن بر هفت حرف» و «روایات دال بر قرائت قرآن بر هفت حرف»؛ روایاتی در طبقه صحابه همچون خلیفه دوم، ابوهریره، ابی ابن کعب و... آن ها را نقل می نمایند.^{۲۱} و اهم آن ها روایتی است که بیانگر اختلاف خلیفه دوم و هشام بن حکیم در قرائت سوره فرقان است و به هنگامی که در ظاهر، هریک قرائت خود را بر پیامبر ﷺ عرضه می کنند، پیامبر ﷺ قرائت هر دو را صحیح می داند و برای هریک می فرماید: «کذلک أنزلت»؛ و سپس می فرماید: «انّ هذا القرآن أنزل علی سبعة أحرف».^{۲۲}

مصادر حدیثی «سبعة أحرف» در نزد شیعه

با بررسی و استقصای کامل در کتب حدیثی شیعه، می توان گفت روایت سبعة أحرف در کتب اربعه شیعه یعنی «کافی، تهذیب، استبصار و من لا یحضره الفقیه» که از با سابقه ترین و معتبرترین کتاب های حدیثی شیعه است، نقل و ثبت نشده است؛ نخستین، جامع حدیثی شیعه که آن را بیان داشته، کتاب «بحار الأنوار» علامه محمد باقر مجلسی است و سپس «وسائل الشیعة» می باشد؛ در بررسی مصادر «بحار الأنوار» معلوم شد که مرحوم مجلسی از «خصال» شیخ صدوق و «بصائر الدرجات» حسن بن صفار و رساله نعمانی، روایاتی را ذکر می کند که البته هیچ یک از آن ها از جوامع

مهم حدیثی به شمار نیامده اند، بلکه کتاب‌هایی هستند که با هدف خاصی، برخی از احادیث را نقل نموده اند.^{۲۳}

حدیث سبعة أحرف، نخست در کتاب‌های «خصال» شیخ صدوق و «بصائر الدرجات» صفار و «رساله نعمانی» از شیخ مفید آمده است که در مجموع چهار روایت می‌باشد که به دو بخش قابل تقسیم است:

الف: بخشی که می‌تواند همانند روایات اهل سنت در بحث سبعة أحرف مورد استناد واقع شود و آن تنها یک روایت است که به نظر می‌رسد، ضعیف و از روایات منتقله از اهل سنت به مصادر شیعه باشد که چنین است: عن عیسی بن عبد الله الهاشمی، عن أبیه، عن آبائه قال: قال رسول الله ﷺ: «أتانی آت من الله [عز وجل] فقال: إن الله عز وجل يأمرک أن تقرأ القرآن علی حرف واحد. فقلت: یا رب وسع علی امتی [فی البحار وسع علی]» [فقال: إن الله عز وجل يأمرک أن تقرأ القرآن علی حرف واحد فقلت: یا رب وسع علی امتی. فقال: إن الله عز وجل يأمرک أن تقرأ القرآن علی حرف واحد. فقلت: یا رب وسع علی امتی. فقال: إن الله يأمرک أن تقرأ القرآن علی سبعة أحرف]؛ پیامبر ﷺ فرمود: «فرستاده ای از نزد خدا آمد و فرمود: خداوند به تو امر می‌کند که قرآن را بر حرف واحد بخوانی. بدو گفتم: پروردگارا بر من توسعه بده. آن فرستاده گفت: خداوند امر می‌کند که قرآن را بر حرف واحد بخوانی. من گفتم: پروردگارا بر امت من توسعه بده. آن فرستاده گفت: پروردگارا امر می‌کند که قرآن را بر یک حرف بخوانی. سپس من گفتم: پروردگارا بر امت من توسعه بده. او گفت: خداوند امر می‌کند که قرآن را بر هفت حرف بخوانی».^{۲۴}

ب: بخشی که گرچه واژه سبعة أحرف یا مشابه آن در آن‌ها به کار رفته است اساساً مربوط به تفسیر قرآن و وجوه معنایی آن می‌باشد.^{۲۵} و شیخ صدوق آن را چنین نقل می‌کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «إن القرآن نزل علی سبعة أحرف وأدنی ما للامام أن یفتی علی سبعة وجوه؛ قرآن بر هفت حرف نازل شده و کمترین وجه برای امام این است که بر هفت وجه فتوا دهد».^{۲۶} حسن بن صفار هم از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «تفسیر القرآن علی سبعة أحرف؛ تفسیر قرآن بر هفت حرف است».^{۲۷}

بررسی سندی حدیث «سبعة أحرف» نزد علمای شیعه

برای تبیین جایگاه روایت «سبعة أحرف» نزد علمای شیعه و بررسی اعتبار آن‌ها لازم

است تا نخست رجال و راویان در سند بررسی شوند؛ گفتنی است تنها یک روایت^{۲۸} از مجموعه روایات حدیثی شیعه می‌تواند در موضوع نزول الفاظ قرآن بر هفت حرف، مؤیدی بر روایات اهل سنت باشد که با تأمل در سند آن می‌توان گفت از مجموع هفت نفر راوی در سلسله سند، وثاقت چند نفر از آن‌ها برای جمعی از علمای رجال، ثابت نشده است که دو نفر از آن‌ها به صراحت تضعیف شده‌اند که «احمد بن هلال» و «عیسی بن عبدالله هاشمی» می‌باشند؛ به ویژه احمد بن هلال که مرحوم صدوق او را از ناصبین دانسته و معتقد است روایات او مورد تمسک نیست؛^{۲۹} بدین جهت حدیث مذکور از جهت سند، معتبر نیست؛ ضمن آن که روایت مذکور اساساً هیچ دلالتی بر نزول قرآن بر هفت حرف ندارد، بلکه در آن بحث از قرائات بر هفت حرف است.^{۳۰}

علامه محمد جواد بلاغی نیز در تفسیرش می‌فرماید: روایات دال بر نزول قرآن بر هفت حرف، سست و بی اعتبار و ضعیف است.^{۳۱} آیت الله خوئی هم می‌فرماید: اصل روایت سبعة أحرف ثابت نشده و از طریق عامه نقل شده و آن روایتی مجعول است.^{۳۲} آیت الله معرفت نیز بیان می‌دارد اسانید روایت نزول قرآن بر هفت حرف، از نظر وثاقت ثابت نشده است.^{۳۳}

بررسی دلالتی حدیث «سبعة أحرف» نزد علمای شیعه

همان گونه که بیان شد، سه روایت سبعة أحرف در منابع شیعی نیز از نظر دلالت، مربوط به محتوا، بطن، وجوه معنایی و تفسیر قرآن می‌باشند.^{۳۴} و تنها یک روایت در منابع شیعه بود که می‌توانست در حوزه ادعای اهل سنت، مبنی بر نزول الفاظ قرآن بر هفت حرف مطرح باشد که آن هم به لحاظ سندی اعتباری نداشت؛ از این رو محتوای آن نیز به لحاظ دلالتی قابل استناد نخواهد بود و شیخ صدوق هم اگر این روایت را نقل کرده، خود بدان اعتقاد نداشته است و بر اساس آن عمل ننموده است؛ چون در روایت آمده: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَقْرَأَ الْقُرْآنَ عَلَى سَبْعَةِ أَحْرَفٍ» و اگر شیخ صدوق آن را معتبر می‌دانست و بدان معتقد می‌شد، می‌بایست قرائت قرآن را بر هفت حرف می‌دانست؛ در حالی که وی چنین اعتقادی نداشته است و مانند دیگر علمای شیعه قرائت قرآن را بر حرف واحد دانسته و می‌فرماید: اعتقاد ما بر آن است که قرآنی که بر پیامبر ﷺ نازل شده است، همان ما بین الدفتین است... و امام باقر علیه السلام فرمود: «قرآن واحد و از نزد واحد است».^{۳۵}

گفتنی است که روایت مذکور اگر از نظر شیخ صدوق روایتی صحیح و معتبر بود می‌بایست در دیگر کتاب‌های حدیثی ایشان نیز آورده می‌شد؛ زیرا مربوط به مسأله مهمی چون قرائت قرآن می‌شد؛ قرآنی که متن و الفاظ آن، اساس فقه و استنباط احکام است و اگر متن آن بر هفت حرف می‌شد، چه بسا فتوای علما بر اساس هر حرفی با حرف دیگر متفاوت می‌گردید؛^{۳۶} ضمن این که در روایت یاد شده تصریحی بر نزول قرآن بر هفت حرف نشده، بلکه تنها اجازه قرائت بر هفت حرف را بیان می‌دارد؛ ضمن آن که، روایت یاد شده در صورت صحت سند، معارض با روایت صحیح امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام می‌باشد که برای محدثان و مفسران امامیه مهم و معتبر بوده اند و آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- عن فضیل بن یسار، قال قلت لأبی عبد الله علیه السلام إنَّ الناس یقولون : إنَّ القرآن انزل علی سبعة أحرف فقال علیه السلام : «كذبوا اعداء الله و لكنّه نزل علی حرف واحد من عند الواحد»؛ فضیل بن یسار نقل می‌کند که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم، مردم می‌گویند: قرآن بر هفت حرف نازل شده، فرمود: «دروغ می‌گویند دشمنان خدا؛ قرآن بر یک حرف و از جانب یکی نازل شده است».^{۳۷}

۲- عن زرارة عن أبی جعفر علیه السلام قال: «إنَّ القرآن واحد نزل من عند الواحد و لكن الاختلاف یجیء من قبل الرواة»؛ زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «قرآن یکی است و از نزد یکی نازل شده است، ولی اختلاف از سوی راویان پدید آمده است».^{۳۸}

مضمون روایات فوق، نزول قرآن بر هفت حرف را به ویژه در خصوص اختلاف الفاظ نفی می‌کند و بر آن تاکید دارد که الفاظ قرآن واحد و دارای متن یکسانی است و نشان می‌دهد که سهم روات در اختلاف قرائت، فراوان بوده است؛ زیرا عبارت «لکن الاختلاف یجیء من قبل الرواة» بیانگر اجتهاد راویان و قراء همچون صحابه و تابعان در توسعه قرائت است.

خبر واحد بودن حدیث «سبعة أحرف» نزد علمای شیعه

حدیث سبعة أحرف نزد شیعه امامیه نه تنها متواتر نیست بلکه خبری واحد است که از ضعف سندی هم برخوردار بوده و چگونه ممکن است روایتی را پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده باشد و به تواتر نزد اهل سنت روایت شده باشد، ولی نزد راویان شیعه به طریق

خبر واحد باشد و آن هم خبر ضعیفی به شمار آید؛ بدین جهت، با توجه به عدم تصریح روایت سبعة أحرف بر نزول قرآن بر هفت حرف و دارا بودن ضعف سندی و بی اعتبار بودن آن، نزد راوی، یعنی شیخ صدوق، می توان مدعی شد که حدیثی مبتنی بر نزول الفاظ قرآن بر سبعة أحرف، حتی در حد خبر واحد هم در جوامع حدیثی شیعه وجود ندارد؛ اگر پیامبر ﷺ سخنی مبنی بر نزول الفاظ قرآن بر هفت حرف را فرموده بود، انتظار این بود که آن همه صحابی شیعه، به ویژه امامان معصومین از پیامبر ﷺ نقل می فرمودند و در مهم ترین جوامع حدیثی شیعه یعنی: کتب اربعه ثبت می شد؛^{۳۹} به همین جهت، محدثان، محققان و مفسران و فقهای بزرگ تشیع از گذشته تاکنون در خصوص حروف هفتگانه و یا «سبعة أحرف» اعتقادی روشن و مستند داشته اند مبنی بر این که «قرآن بر حرف واحد» است و روایت «سبعة أحرف» در صورت صحت سند، مربوط به لهجه های قرآن یا بطون و معانی آن بوده که می تواند نظری صحیح باشد؛ برای تبیین بیشتر، دیدگاه های محدثان، مفسران، قرآن پژوهان و فقهای امامیه در خصوص «نزول قرآن بر حرف واحد» و حدیث «سبعة أحرف» به تفکیک بیان می شود.

قرائات و حدیث «سبعة أحرف» از منظر محدثان شیعه

محدثان شیعه همچون کلینی، صدوق و ... همواره روایاتی بر نزول واحد قرآن آورده اند که به عبارات برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. محمد بن یعقوب کلینی از محدثان عالی مقام شیعه - م ۳۲۹ ق - معتقد به نزول قرآن بر حرف واحد و قرائت واحد قرآن است و در کتاب «فضل القرآن» دور روایت صحیحی از امام باقر ع و امام صادق ع را مبنی بر نزول قرآن بر حرف واحد می آورد. ضمن این که در تمام کتاب کافی، اثری از روایت سبعة أحرف نیست.^{۴۰}

۲. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی «شیخ صدوق» از علمای جلیل القدر شیعه - م ۳۸۱ ق - بر نزول قرآن بر حرف واحد اعتقاد داشت. وی در باب «اعتقاد در مورد جایگاه قرآن» روایت صحیحی را از امام باقر ع فرمود: «قرآن واحد و از نزد واحد است».^{۴۱}

۳. مرحوم ملا محسن فیض کاشانی - م ۱۰۹۱ ق - از جمله بزرگانی است که در مقدمه هشتم کتاب «الصفای فی التفسیر القرآن» خود بیان می دارد: نزد عامه شهرت یافته است که پیامبر ﷺ فرمود: «قرآن بر هفت حرف نازل شده و همه آن ها کافی و

شافی است ...». واز طریق خاصه هم در «خصال» از حماد روایت شده که می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: احادیث مختلفی از شما نقل می شود. امام علیه السلام فرمود: «قرآن بر هفت حرف نازل شده و کمترین چیز برای امام آن است که بر هفت وجه فتوا دهد ...». و راه جمع بین راویان آن است که بگوییم قرآن دارای هفت قسم از آیات و هفت بطن است ... و اما حمل حدیث سبعة أحرف بر هفت وجه از قرائت دلیلی ندارد؛ زیرا در روایت کافی به اسناد از زراره از امام باقر علیه السلام آمده است که حضرت فرمود: «قرآن واحد و از نزد واحد است، ولکن اختلاف از ناحیه روات حاصل شده است». و به اسناد فضیل که به امام صادق علیه السلام می گوید: مردم می گویند قرآن بر هفت حرف نازل شده است؛ حضرت می فرماید: «دروغ می گویند دشمنان خدا، قرآن بر حرف واحد و از نزد واحد است»، و معنای این حدیث همان معنای حدیث قبلی است و هر دو یکی است و آن این که قرائت صحیح واحد است.^{۴۲}

۴. محدث بزرگوار شیعه علامه محمد باقر مجلسی - م ۱۱۱۰ ق - تنها روایتی را که در احادیث شیعه بر نزول قرآن بر هفت حرف اشاره دارد، در کتاب خود می آورد و سپس عقیده خویش را این گونه بازگومی کند: خبر ضعیفی است و با اخبار فراوانی که خواهد آمد، مخالف است و آن را بر قرائات سبعة حمل کرده اند که چنین حملی درست نیست؛ زیرا قرآی سبعة پس از پیامبر صلی الله علیه و آله متولد شدند ... و بدون تردید ما مجازیم تا بر اساس قرائات مشهور عمل نماییم، زیرا بر آن اخبار مستفیضه ای وجود دارد.^{۴۳} بدین جهت ایشان، اعتقادی به حدیث سبعة أحرف در مورد الفاظ قرآن ندارد و معتقد است نزول قرآن واحد و دارای قرائت واحد است. آری، قرآن به لحاظ گستردگی معنا دارای بطون و معانی متعددی است و ایشان در کتاب القرآن در باب «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنَاً» روایات متعددی را ذکر می نماید که بر بطون متعدد قرآن دلالت دارد.

۵. محدث نوری؛ محدث شیخ حسین نوری - م ۱۳۲۰ ق - نیز معتقد است که نزول قرآن واحد بوده و کلمات و الفاظ آن متعدد نیستند و اختلاف قرائات، ناشی از سوء حفظ قراء و مصاحف عثمانی است و می گوید: مهم اثبات نزول قرآن بر نسق و نظم واحد است و ابطال نزول بر وجوه عدیده «سبعة» در تلاوت است و منشأ این اختلافات «در قرائات» سوء حفظ و کم توجهی و ... به دلایل ذیل می باشد ... دومین دلیل: اخبار فراوانی است که از آن ها روشن می شود که اختلافات منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله نیست،

بلکه برخی از آن‌ها منسوب به آرای قزّاء و اجتهاد و أهل عربیت است...»^{۴۴} ایشان در مورد روایت شیخ صدوق در «خصال» در همراهی با ادعای أهل سنت مبنی بر قرائت سبعة قرآن معتقد است، روایت مذکور، مجعول و دست‌ساز است و می‌گوید: اگر بگویی که معنای روایت شیخ صدوق در «خصال» چیست...؟ «که خداوند تورا امر می‌کند که قرآن را بر هفت حرف بخوانی؟» پاسخ آن است که ظاهر روایت مذکور، قابل اعتماد نیست و... از دست سازهای دشمنان خداست.^{۴۵}

قرائت و حدیث «سبعة أحرف» از منظر مفسران و قرآن پژوهان شیعه

مفسران نیز همانند محدثان بر قرائت واحد قرآن به عنوان مبنای تفسیر اعتقاد دارند و حروف هفتگانه را نادرست می‌دانند که برخی از دیدگاه‌های آنان چنین است:

۱. شیخ الطائفة ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسی - م ۴۶۰ ق - از علمای بزرگ و صاحب مقام و از متقدمان شیعه و صاحب نخستین تفسیر جامع شیعه، در مقدمه کتاب تفسیری خود در باب نزول قرآن می‌گوید: بدانید که معروف در میان اصحاب ما [شیعیان] و رایج در بین اخبارشان، این است که قرآن بر حرف واحد و بر نبی واحد نازل شده است؛ شیخ طوسی سپس می‌افزاید: «مخالفین - أهل سنت - از پیامبر ﷺ روایت نموده‌اند که قرآن بر هفت حرف نازل شده و همه آن‌ها کافی و شافی است... و خدشه در آن‌ها - با توجه به روایات قطعی شیعه بر حرف واحد - ضرورتی ندارد؛^{۴۶} ایشان روایت سبعة أحرف را به علت جعلی بودن آن در کتاب‌های حدیثی خود درج نمی‌نمایند، بلکه در مقدمه تفسیر خود به جهت بیان دیدگاه خویش در مورد قرآن به آن اشاره و به نفی آن می‌پردازد.

۲. امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی - م ۵۴۸ ق - از علمای بزرگ قرن پنجم هجری و صاحب تفسیر گرانسنگ مجمع البیان در مقدمه تفسیر خود در فن دوم متعرض حدیث سبعة أحرف می‌شود و می‌گوید: شایع و رایج در روایات شیعه آن است که قرآن بر حرف واحد بوده است؛^{۴۷} ایشان گرچه در کتاب تفسیر خود با عنوان «القرائة» به بیان اختلاف قرائات می‌پردازد ولی در معنا و تفسیر برای آن‌ها اعتباری قائل نیست.

۳. عالم مجاهد شیخ محمد جواد بلاغی نجفی - م ۱۳۵۲ ق - معتقد است که قرآن بر حرف واحد نازل شده و حدیث سبعة أحرف بی اعتبار است و می‌گوید: پنجمین دلیل که تعیین کننده هم هست، روایت از طریق شیعه در کتاب کافی است... که

قرآن واحد و از نزد واحد آمده است.^{۴۸}

۴. مفسر عالیقدر شیعه علامه محمد حسین طباطبایی - م ۱۴۰۲ ق - در ذیل آیه ۷ سوره آل عمران در بحث محکم و متشابه قرآن و این که قرآن دارای مراتبی از معانی است، به حدیث سبعة أحرف اشاره می نماید و معتقد است که حدیث مذکور با توجه به ذیل آن مربوط به اقسام خطاب و انواع بیان است؛ یعنی ربطی به الفاظ قرآن و قرائات ندارد و می فرماید: در حدیث مروی از طریقین از پیامبر ﷺ آمده است که حضرت ﷺ فرمود: «قرآن بر هفت حرف نازل شده است». در اینجا باید گفت: حدیث مذکور گرچه با اختلاف الفاظ نقل شده است، لکن معنای آن در همه جا یکسان است... و آنچه امر را آسان می نماید آن است که در متن آن روایات، تفسیر سبعة أحرف آمده است و باید بر آن اعتماد نمود... و از حضرت علی ع نقل شده که فرمود: «خداوند قرآن را بر هفت قسم نازل نموده است و همه آن ها شافی و کافی است، و آن امر و زجر و ترغیب و ترهیب و جدل و مثل و قصص است و متعین، حمل سبعة أحرف بر اقسام خطاب و انواع بیان است.^{۴۹}

۵. آیت الله محمد هادی معرفت - م ۱۴۲۷ ق - از مفسران و قرآن پژوهان معاصر در این باره می گوید: قرآن همان نص واحد الهی است که متواتر بین مسلمین بوده و دارای تواتر در تمامی سوره ها، آیه ها و کلمات می باشد، به گونه ای که هرگونه تغییر در متن آن سبب استنکار مسلمین می شود.^{۵۰}

۶. علامه سید جعفر مرتضی عاملی از جمله محققان حوزه علوم قرآنی در دوره معاصر، معتقد به قرائت واحد قرآن است و می گوید: حدیثی که به منزله دلیل و مجوز برای اختلاف قرائات شده است، صحت ندارد... زیرا از دو امام باقر ع و صادق ع روایت شده است که هر دو، روایت نزول قرآن بر هفت حرف را تکذیب نموده اند...^{۵۱}

۷. دکتر سید محمد باقر حجتی از فضلالی حوزه و مدرسان علوم قرآن در دانشگاه، در کتاب «تاریخ قرآن» خویش می نویسد: روایت نزول قرآن بر هفت حرف با بیش از چهل تفسیری که درباره آن بیان شده... به هیچ وجه از نظر شیعه قابل استناد و قبول نیست... به خصوص که با روایت صحیح امام صادق ع که می فرماید: «نزل القرآن علی حرف واحد من عند الواحد» هم منافات دارد.^{۵۲}

۸. آیت الله ابوالفضل میرمحمدی از قرآن پژوهان معاصر در بحث سبعة أحرف در

کتاب «تاریخ القرآن و علومه» معتقد است: مراد از هفت حرف، معانی متعددی است که در کلمات و آیات قرآنی است، ولی مردم جزاندکی از آن ها درک نمی کنند.^{۵۳}

قرائات و حدیث «سبعة أحرف» از منظر فقهای شیعه

از نظر فقهای شیعه اثنی عشریه همانند محدثان و مفسران، قرآن برحرف واحد بوده و حروف هفتگانه جایگاهی در الفاظ قرآن ندارند و آن ها براساس قرائات رایج به تبیین فتوای فقهی خود پرداخته اند که به دیدگاه برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. فقیه و محقق شیخ یوسف بحرانی - م ۱۱۸۶ ق - صاحب اثر ارزشمند «الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة» در کتاب الصلاة در بحث قرائت نماز، بیان می دارد که اساس و عمده روایات شیعه، گویای آن است که قرآن برحرف واحد و دارای قرائت واحد است و می گوید: عمده همان است که در اخبار ما روایاتی است که تواتر قرائات را مردود می داند، زیرا ثقة الاسلام کلینی در کافی از امام باقر علیه السلام نقل می نماید که حضرت فرمود: «قرآن واحد و از نزد واحد است و اختلاف از ناحیه روات است»؛^{۵۴} ایشان معتقد است که حدیث سبعة أحرف از روایات عامه است و در روایات شیعه هم تنها یک روایت هم موافق با روایت آن هاست که ظاهراً آن نیز با دیگر روایات شیعه منافات دارد و سزاوار است که حمل بر تقیه شود و آن همان روایت «خصال» شیخ صدوق است.^{۵۵}

۲. فقیه بلند پایه شیعه محمد حسن نجفی - م ۱۲۶۶ ق - صاحب کتاب «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام» معتقد است: تواتر قرائات را نمی پذیریم ... بلکه معلوم نزد ما - شیعه - خلاف آن است، زیرا شهرت مذهب ما - شیعه - بر آن است که قرآن برحرف واحد و بر نبی واحد نازل شده است و اختلاف در آن - قرائات - از ناحیه روات است؛ همچنان که غیر واحدی از بزرگان بر آن معترف هستند.^{۵۶}

۳. فقیه بزرگ حاج آقا رضا همدانی - م ۱۳۲۲ ق - در کتاب الصلاة، قرائات و صحت آن ها را مورد بررسی قرار داده و معتقد است که قرآن واحد و دارای نص واحد است و انتساب قرائات متعدد به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صحیح نیست، و حدیث سبعة أحرف، نمی تواند در مورد الفاظ قرآن صحیح باشد و اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایتی را فرموده باشد، مربوط به محتوا و معانی قرآن است و محرفان آن را تحریف نموده و حمل بر الفاظ قرآن نموده اند؛ از نظر ایشان، چه بسا تکذیب امام صادق علیه السلام مبنی بر تحریف آن باشد؛ یعنی: آنان

حدیث سبعة أحرف را پس از تحریف، در مورد الفاظ قرآن، رونق داده اند که زمینه تعدد قرائت را فراهم آورده و امام علیه السلام حمل بر الفاظ و تحریف آنان را تکذیب نموده است. لذا از نظرایشان تعدد قرائت ناشی از اجتهاد و رأی قرآ بوده است. وی می گوید: حق آن است که ثابت نشده که پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی از قرآن را با چند شکل - قرائت - خوانده باشد، بلکه عکس آن ثابت شده است... زیرا قرآن واحد و از نزد واحد است؛ آنچنان که اخبار معتبره مروی از اهل بیت علیهم السلام وحی و تنزیل، بر آن حکایت دارد؛ مانند: روایت ثقة الاسلام کلینی.^{۵۷}

۴. آیت الله سید محسن طباطبایی حکیم - م ۱۳۹۰ ق - تواتر قرائت را مخدوش می داند و معتقد است که قرآن بر حرف واحد و دارای قرائت واحد است، و ادعای تواتر قرائت، مورد انکار جمعی از بزرگان است؛ بدین جهت از شیخ طوسی در تبیان گزارش شده که قرآن بر حرف واحد و بر نبی واحد نازل شده... و در صحیفه فضیل آمده: قرآن بر حرف واحد و از نزد واحد نازل شده است. و از این رو برخی از نصوصی که متضمن نزول قرآن بر هفت حرف است باید بوجه دیگری حمل شود تا منافات با روایت فضیل نداشته باشد.^{۵۸}

۵. عالم بزرگ شیعه علامه میرزا ابوالحسن شعرانی - م ۱۳۹۳ ق - که از علمای معاصر است در مقدمه تفسیر «منهج الصادقین» اثر ملا فتح الله کاشانی، بیان می دارد که حدیث سبعة أحرف از اخبار آحاد است و راجع به قرآن حجیت ندارد.^{۵۹}

۶. فقیه و عالم بزرگ شیعه آیت الله سید ابوالقاسم خوئی - م ۱۴۰۵ ق - اعتقادی به حدیث سبعة أحرف نداشته و آن را نادرست و مجعول می داند؛ او در کتاب «الصلوة» از مستند العروة بیان می دارد که تواتر قرائت از قراء ثابت نشده، چه برسد به پیامبر صلی الله علیه و آله؛ بلکه به طرق آحاد حکایت شده است و برخی از ناآگاهان گمان برده اند که مقصود از روایت سبعة أحرف همان قرائت است و قرآن بر هفت حرف نازل نشده و اصل روایت ثابت نشده و فقط از طریق عامه گزارش شده، همچنان که روایت امام صادق علیه السلام آن را تکذیب نموده است.^{۶۰} ایشان در کتاب گرانقدر البیان هم بر همین نکته تاکید دارد و بیان می دارد که روایت نزول قرآن بر هفت حرف به معنای صحیحی بر نمی گردد و لازم است که طرد شود.^{۶۱}

نتیجه گیری

با توجه به روایات صحیح از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام مبنی بر این که الفاظ قرآن دارای نزول واحد و از نزد خدای واحد بوده است و اختلاف قرائت ناشی از راویان بوده است و تکذیب نزول قرآن بر سبعة أحرف از سوی ائمه معصومین علیهم السلام^{۶۲} و با توجه به روایت نبوی که « اگر قرآن آنچنان که نازل شده بود قرائت می شد، دو نفر با هم اختلاف پیدا نمی کردند، معلوم می شود که قرآن بر الفاظ واحد نازل شده و پیامبر صلی الله علیه و آله همواره به تصحیح قرائت پرداخته اند. البته پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله روایت نزول قرآن بر سبعة معانی را فرموده و قرآن به طور قطع دارای مراتبی از معناست، اما محرفانی به تحریف آن پرداخته و آن را در مورد الفاظ قرآن رواج داده اند و هدف آن ها توجیه قرائت مختلف، بوده است.

حدیث سبعة أحرف یا حروف هفتگانه هم که در روایات اهل سنت وارد شده و بر آن ادعای تواتر کرده اند، نه تنها تواتر آن ثابت نگردیده بلکه با حدیث ثلاثة أحرف و ... در تعارض هست؛ گذشته از همه این ها، حدیث یاد شده از نظر سندی و دلالتی با مشکلات بسیاری روبه روست؛ از این رو دانشمندان شیعی، ضمن انکار حدیث سبعة أحرف، بر عقیده خود پای فشرده که قرآن بر حرف واحد و از سوی خدای واحد و با نزولی واحد نازل شده و قرائت واحد، همان قرائتی است که بین عموم مسلمین از آغاز نزول قرآن تا کنون رایج بوده که قرائت حفص از عاصم بر آن منطبق است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم «سید محمد باقر حجتی» / ۲۵۰.
۲. التمهید فی علوم القرآن، ۹/۱.
۳. البیان فی تفسیر القرآن / ۱۲۴.
۴. معرفة القراء الكبار على الطبقات والاعصار، ۴۲/۱؛
۵. الاتقان فی علوم القرآن، ۲۵۱/۱.
۶. نزول قرآن و رؤیای هفت حرف «سیدرضا مؤدب»
۷. فتح الباری، ۱۴/۹.
۸. نزول قرآن و رؤیای هفت حرف / ۱۷۲-۱۷۳.
۹. التمهید فی علوم القرآن، ۳۴۹/۱.
۱۰. نزول قرآن و رؤیای هفت حرف / ۱۷۶/۱۸۸.
۱۱. البرهان فی علوم القرآن «زرکشی»، ۳۱۸/۱.
۱۲. التفسیر الكبير، ۶۳/۱؛ النشر فی قرائت العشر، ۱۳/۱؛ المرشد الوجیز / ۱۷۴؛ البرهان فی علوم قرآن، ۳۱۹/۱؛ التبیان فی تفسیر القرآن، ۷/۱؛ أنوار

- النعمانيته / ٢٤٠؛ آلاء الرحمن فى تفسير القرآن /
 مقدمه سوم / ٣٠؛ البيان فى تفسير القرآن / ١٥١.
 ١٣. نزول قرآن و رؤىاى هفت حرف / ١٩٠-١٩١.
 ١٤. معرفة الفراء الكبار على الطبقات والاعصار، / ١٧٧.
 ١٥. نزول قرآن و رؤىاى هفت حرف / ١٩٣.
 ١٦. تاريخ القرآن «على الصغير» / ١١١؛ مبانى تفسير
 قرآن «سيدرضا مؤذب» / ٧٩-٨٠.
 ١٧. صحيح البخارى، / ٦، ٢٢٨؛ جامع البيان، / ١، ١٠.
 ١٨. البرهان فى علوم قرآن، / ١، ٢١٢.
 ١٩. نزول قرآن و رؤىاى هفت حرف / ٦٢-٦٣.
 ٢٠. همان / ٣٨.
 ٢١. صحيح البخارى، / ٦، ٢٢٨؛ صحيح مسلم، / ٢، ٢٠٢؛
 سنن ترمذى، / ٥، ١٩٤.
 ٢٢. همان.
 ٢٣. نزول قرآن و رؤىاى هفت حرف / ٢٣٨.
 ٢٤. الخصال «شيخ صدوق»، / ٢، ١٠-١١؛ بحار الأنوار،
 / ٨٩، ٤٩؛ وسائل الشيعة، / ٦، ١٦٤.
 ٢٥. همان.
 ٢٦. الخصال، / ٢، ٣٥٨؛ بحار الأنوار، / ٨٩، ٤٩.
 ٢٧. بصائر الدرجات / ١٦٩؛ بحار الأنوار، / ٨٩، ٩٨.
 ٢٨. الخصال، / ٢، ١١؛ بحار الأنوار، / ٨٩، ٤٩.
 ٢٩. مستند العروة الوثقى «آيت الله خوئى»، / ٢، ٣٥٠.
 ٣٠. نزول قرآن و رؤىاى هفت حرف / ٢٤١-٢٤٣.
 ٣١. آلاء الرحمن / مقدمه سوم / ٣٠.
 ٣٢. مستند العروة الوثقى، / ٣، ٢٧٤.
 ٣٣. التمهيد فى علوم القرآن، / ٢، ٩٤.
 ٣٤. نزول قرآن و رؤىاى هفت حرف / ٢٤٥.
 ٣٥. الاعتقادات «شيخ صدوق» / ٨٦.
 ٣٦. نزول قرآن و رؤىاى هفت حرف / ٢٤٥.
 ٣٧. الكافى، / ٢، ٦٣٠.
 ٣٨. همان.
 ٣٩. نزول قرآن و رؤىاى هفت حرف / ٢٤٧-٢٤٨.
 ٤٠. همان / ٢٥٤.
 ٤١. الاعتقادات «شيخ صدوق» / ٨٦.
 ٤٢. الصافى فى تفسير القرآن، / ١، ٣٨.
 ٤٣. بحار الأنوار، / ٨٢، ٦٥.
 ٤٤. فصل الخطاب / ١٧٨-١٩١.
 ٤٥. همان / ٢٠٦-٢٠٧.
 ٤٦. التبيان فى تفسير القرآن، / ١، ٧.
 ٤٧. مجمع البيان، / ١، ٣٨.
 ٤٨. آلاء الرحمن، / ١، ٧٥.
 ٤٩. الميزان، / ٣، ٧٤.
 ٥٠. التمهيد فى علوم القرآن، / ٢، ٧٧.
 ٥١. حقائق هامة حول القرآن الكريم / ١٧٧.
 ٥٢. پژوهشى در تاريخ قرآن كريم / ٢٦٣.
 ٥٣. تاريخ القرآن و علومه / ٦٦.
 ٥٤. الحدائق الناضرة، / ٨، ٩٩.
 ٥٥. التبيان فى تفسير القرآن، / ١، ٧.
 ٥٦. جواهر الكلام، / ٩، ٢٩٤.
 ٥٧. مصباح الفقيه / ٢٧٦.
 ٥٨. مستمسك العروة الوثقى، / ٦، ٢٤٣.
 ٥٩. منهج الصادقين، / ١، ١٣.
 ٦٠. مستند العروة الوثقى، / ٣، ٤٧٤.
 ٦١. البيان فى تفسير القرآن / ٢١١.
 ٦٢. الكافى، / ٢، ٦٣٠.